

BIBLIOGRAPHY

11 Ocak 2018

SOURCES

al-Dhahabī, *Ta'riḫ al-islām*, ed. 'Umar Tadmurī, 53 vols, Beirut 1987–98; Ibn 'Asākir, *Mu'jam al-shuyūkh*, ed. Wafā' Taqī al-Dīn, 3 vols., Damascus 2000; Ibn 'Asākir, *Ta'riḫ madīnat Dīnashq*, ed. 'Umar b. Gharāma al-'Amrawī and 'Alī Shīrī, 80 vols., Beirut 1995–2001.

STUDIES

Zayde G. Antrim, Ibn 'Asākir's representations of Syria and Damascus in the introduction to the *Ta'riḫ madīnat Dimashq*, *IJMES* 38 (2006), 109–29; Ṭalāl al-Da'jānī, *Mawāriḍ Ibn 'Asākir fi Ta'riḫ Dimashq*, 3 vols., Medina 2004; Nikita Elisséeff, *La description de Damas d'Ibn 'Asākir*, Damascus 1959; Muḥammad Muṭī' al-Ḥāfiẓ, *al-Ḥāfiẓ Ibn 'Asākir. Muḥaddith al-Shām wa-mu'arrikhuhā al-kabīr*, 499–571 h., Damascus 2003; Aḥmad 'Abd al-Karīm Ḥalwānī, *Ibn 'Asākir wa-dawruh fi l-jihād didd al-ṣalibiyyīn fi 'ahd al-dawlatayn al-nūriyya wa-l-ayyūbiyya*, Damascus 1991; Nancy A. Khalek, *Damascus after the Muslim conquest. Text and image in early Islam*, New York 2011; Nancy A. Khalek, Early Islamic history reimaged. The biography of 'Umar ibn 'Abd al-'Aziz in Ibn 'Asākir's *Ta'riḫ madīnat Dimashq*, *JAOIS* 134/3 (2014): 431–51; James E. Lindsay, Sarah and Hagar in Ibn 'Asākir's *History of Damascus, Medieval Encounters. Jewish, Christian and Muslim Culture in Confluence and Dialogue* 14/1 (2008), 1–14; James E. Lindsay (ed.), *Ibn 'Asākir and early Islamic history*, Princeton 2001; James E. Lindsay, Caliphal and moral exemplar? 'Alī Ibn 'Asākir's portrait of Yazīd ibn Mu'āviya, *Der Islam* 74 (1997), 250–78; James E. Lindsay, 'Alī Ibn 'Asākir as a preserver of *Qīṣaṣ al-Anbiyā'*. The case of David ibn Jesse, *SI* 82 (1995), 45–82; Suleiman A. Mourad, *Sīrat al-sayyid al-masūh li-Ibn 'Asākir*, Amman 1996; Suleiman A. Mourad, Publication history of *Ta'riḫ madīnat Dimashq*, in James E. Lindsay (ed.), *Ibn 'Asākir and early Islamic history* (Princeton 2001), 127–33; Suleiman A. Mourad and James E. Lindsay, *The intensification and reorientation of Sunnī jihād ideology in the Crusader period. Ibn 'Asākir (1105–1176) of Damascus and his age, with an edition and translation of Ibn 'Asākir's "The forty hadīths for inciting jihād,"* Leiden 2013; Suleiman A. Mourad and James E. Lindsay, *Rescuing Syria from the infidels. The contribu-*

tion of Ibn 'Asākir of Damascus to the *jihād* campaign of Sultan Nur al-Dīn, *Crusades* 6 (2007), 37–55; Ḥasan Shumaysānī, *al-Ḥāfiẓ Ibn 'Asākir*, Beirut 1990; al-Subkī, *Ṭabaqāt al-shāfi'iyya al-kubrā*, ed. Muṣṭafā 'Aṭā, 6 vols., Beirut 1999.

SULEIMAN A. MOURAD

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Ibn 'Aṭā' Aḥmad

Aḥmad b. Muḥammad b. Sahl b. 'Aṭā' al-Adamī, called **Ibn 'Aṭā' Aḥmad** (d. 309/922) was a prominent early Şūfī exegete of the Qur'ān and a leading Şūfī personality in Baghdad. He was closely linked to the Ḥanbalī-affiliated pietistic movement and was, as a result, well regarded by much of the city's Ḥanbalī population. Because of Ibn 'Aṭā's ardent defence of the famous Baghdadi mystic al-Ḥallāj (d. 309/922)—who was imprisoned and on trial at the time—and his harsh criticism of the *wazīr* Ḥamid b. al-'Abbās (d. 311/923), he was put to death in Dhū l-Qa'da 309/March 922.

Louis Massignon estimates that Ibn 'Aṭā' was born in about 235/849–50 (1:88). A longtime resident of Baghdad, Ibn 'Aṭā's early education was shaped by Ḥanbalism and a concomitant high regard for *ḥadīth*. His earliest recorded teachers were *ḥadīth* scholars closely connected to Aḥmad b. Ḥanbal (d. 241/855), the famous traditionist, theologian, and jurist from Baghdad, namely, al-Faḍl b. Ziyād (d. c. 255/869) and Yūsuf b. Mūsā al-Qaṭṭān (d. 253/867). Ibn 'Aṭā' probably first came into contact with the *zuhd* (asceticism) form of piety favoured by the Ḥanbalīs through these connections. Furthermore, he appears to have enjoyed some popular support from Baghdad's Ḥanbalīs throughout his life. Later, Ibn 'Aṭā' studied with two prominent Baghdadi

فهرست‌نگار و پژوهشگر ایرانی. پدرش دانشمندی کتاب‌شناس و فهرست‌نگار بود و به صاحب‌الذریعه شهرت داشت. منزوی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و عمویش، محمدابراهیم، فراگرفت. در ۱۳۱۴ش به همراه خانواده به نجف رفت و در مدرسه سیدکاظم یزدی به فراگیری علوم قدیم پرداخت. در آنجا خلاصه‌الحساب، مطول و مغنی اللیب را نزد شیخ شمس قفقازی، جامع‌المقدمات را نزد شیخ محمدرضا طبسی (۱۳۲۲-۱۴۰۵ق) و شرح سبعه و معالم را نزد شیخ علی‌اکبر خوانساری (۱۳۰۰-۱۳۵۹ق) آموخت و بعدها کشف‌الاشتباه او را در تهران چاپ کرد (۱۳۷۰ق). شیخ عبدالحسین در ۱۳۶۴ق اجازه‌روایتی به منزوی داد که بعدها به تأیید دیگر استادانش، آقا میرزا حسن بیجنوردی (۱۳۱۶-۱۳۹۰ق) و میرزا باقر زنجانی (۱۳۱۲-۱۳۷۴ق) که استاد کفایه او بود، رسید. منزوی پدرش را در تصحیح و چاپ سه جلد از مجلدات الذریعه یاری داد. شروع جنگ جهانی دوم و گرایش‌های ضدایرانی حکومت عراق سبب شد که پدرش وی را همراه قسمتی از کتاب الذریعه راهی تهران کند. منزوی در تهران به چاپ مجلدات الذریعه پرداخت و هم‌زمان به تحصیلاتش ادامه داد. وی پس از گرفتن دیپلم، در ۱۳۳۶ش دانشنامه‌کارشناسی معقول، در ۱۳۲۹ش کارشناسی دانشسرای عالی، در ۱۳۳۰ش کارشناسی رشته قضایی از دانشکده حقوق و سرانجام در ۱۳۳۷ش دانشنامه دکتری را در رشته معقول دریافت کرد. منزوی در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۷ش به تدریس در دبیرستان‌های تهران پرداخت و در مهر ۱۳۲۷ش دبیر رسمی وزارت فرهنگ گردید. وی هم‌زمان به همکاری با علی‌اکبر دهخدا در سازمان لغت‌نامه پرداخت و پس از مرگ وی، تا ۱۳۴۵ش همکاری‌اش را با محمد معین ادامه داد. در ۱۳۳۸ش از وزارت فرهنگ به دانشگاه منتقل شد و در آنجا دبیر راهنمای پایان‌نامه‌ها در دانشکده حقوق گشت و در ضمن به تدریس در دانشکده ادبیات پرداخت. منزوی از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ش در تبعیدی خودخواسته به بیروت رفت و به تحصیل و چاپ کتاب‌های خود و پدرش مشغول شد. او از دانشگاه سن‌روزف دانشنامه دکتری دریافت کرد. موضوع پایان‌نامه‌اش پژوهش و بررسی و نقد کتاب تنقیح الابحاث للمل الثلاث نوشته ابن کمونه (م ۷۸۳ق) بود. او در روزگار تبعید پنج جلد از پنج سده [چهارم تا پایان هفتم] طبقات

منزلت بین منزلتین، یکی از اصول پنجگانه معتزلیان. واصل بن عطا نخستین کسی بود که در مقابل نظریه خوارج، که مرتکب گناه کبیره را فاسق می‌دانستند، و مرجئه، که چنین کسی را مؤمن می‌دانستند، اصطلاح «منزلت بین منزلتین» را مطرح کرد. پس از طرح این نظریه منزلت بین منزلتین به یکی از اصول پنج‌گانه اعتزالی مورد قبول معتزلیان و وجه فارق آنان از غیرمعتزلیان تبدیل شد، به این معنا که مرتکب کبیره نه مؤمن است و نه کافر، بلکه در منزلتی بین دو منزلت ایمان و کفر قرار دارد. بنا به استدلال قاضی عبدالجبار معتزلی، در شرع به کسی کافر گفته می‌شود که مستحق عقاب عظیم است و احکام مخصوصی همچون منع از ازدواج و ارث و دفن در قبرستان مسلمانان به چنین فردی اختصاص پیدا می‌کند. حال آنکه چنین احکامی بر فرد مرتکب گناه کبیره جاری نمی‌شود و وی مستحق عقاب عظیم نیست. پس جایز نیست مرتکب گناه کبیره کافر نامیده شود. به علاوه امیرالمؤمنین علی (ع) نیز به قتال با اهل بغی نپرداخت و آنها را نه کافر و نه مؤمن نامید، بلکه در مورد آنها اصطلاح «اهل بغی» را به کار برد. همچنین از آنجا که احکام مربوط به یهودیت، نصرانیت و تجسیم هم بر مرتکب کبیره جاری نمی‌شود، کفر خاص نیز بر چنین کسی قابل اطلاق نیست. از سوی دیگر، مرتکب گناه کبیره در قرآن لعن و نفرین شده و از وی براءت جسته شده، از این رو اطلاق اسم مؤمن نیز بر مرتکب کبیره صحیح نیست. متکلمان معتزلی همچنین استدلال‌های خوارج را درباره کافر نامیدن مرتکب گناه کبیره رد کرده‌اند. به عقیده معتزلیان علت کافر نامیدن کافر اخلال به واجب و اقدام به قبیح نیست، بلکه از نظر شرع کافر اسمی است برای کسی که مستحق عقاب عظیم است و احکام مخصوصی بر وی اجرا می‌شود، ولی مرتکب گناه کبیره استحقاق این اندازه از عقاب را ندارد و این احکام بر وی اجرا نمی‌شود. از این رو مرتکب گناه کبیره کافر نیست، بلکه فاسق است. متکلمان امامی در تقابل با معتزلیان مرتکب گناه کبیره را «مؤمن فاسق» می‌دانند.

منابع: الانتصار، خیاط، ۱۶۴-۱۶۷؛ اوائل المقالات، شیخ مفید، ۴۷-۴۸؛ شرح اصول الخمسه، ۷۱۲-۷۱۴، ۷۲۰-۷۲۹.

مریم کیانی فرید

منزوی، علی نقی فرزند شیخ محمدحسن معروف به آقابرگ تهرانی (سامره ۱۳۰۲- تهران ۱۳۸۹ش)، مترجم،

تا علی بن عیسیٰ خشمگین شود و ابن عطا را نزد خویش فراخواند. وی با ابن عطا به درستی سخن گفت و او نیز در دفاع از حلاج به وزیر پرخاش کرد و با او به تندی و گستاخی سخن گفت. وزیر از سخنان ابن عطا برآشفته و فرمان داد تا در آن مجلس وی را به سختی زدند و مجروح کردند. حتی چنین آمده است که زندان‌های او را یک‌به‌یک کردند و در سرش فروکردند، تا اینکه از دنیا رفت. ابن عطا در ذی‌القعدة ۳۰۹ و چند روز پیش از اعدام حلاج درگذشت (ابن جوزی، ج ۶، ص ۱۶۰).

ابن عطا اهل ریاضت و تحقیق بود و عطار در تذکرة الاولیاء او را برهان اهل توحید و در فنون علم آیتی دانسته و بر آن بوده است که تا پیش از وی هیچ‌یک از مشایخ و صوفیان به اسرار تنزیل و معانی تأویل قرآن پی نبرده بودند. همچنین، وی را مفتی اصول و فروع دین دانسته و بر آن بود که در علوم تفسیر و حقایق آن، حدیث و دقایق آن و قرائت و مسائل آن و علم بیان و لطایف آن به درجه کمال رسیده بود.

از ابن عطا کتب بسیاری در فهم قرآن به زبان صوفیان مانده است. تصنیف‌های بسیاری دارد و حتی تفسیری بر قرآن، از اول تا آخر، نوشته که تمامی آن به زبان اشارت است. همچنین از وی کتابی با نام عودة الصفات و بدءا بر جای مانده است. علاوه بر اینها، ابن عطا به شعر نیز علاقه داشت و چندین بیت از او درباره مسائل عرفانی به یادگار مانده است (مستملی، ص ۱۶۱۱-۱۶۱۲). برخی از اشعار او در کتاب‌های صوفیه مانند اللمع سراج موجود است. بعضی گفته‌های ابن عطا از اصالت فکر و استقلال رأی او حکایت دارد و آن طور که از روایت صوفیه برمی‌آید، با متکلمان بغداد درباره الفاظ و اشارات صوفیه گاهی مجادله‌هایی می‌کرد (عطار، ص ۴۹۰). گروهی او را از علمای متصوفه می‌دانند و برخی مانند هجویری او را در ردیف حلاج و شبلی می‌آورند که غیبت را بر حضور

ابوالعباس احمد بن محمد بن سهل بن عطا آدمی بغدادی، عارف، شاعر، مفسر، و محدث حنبلی در قرن چهارم هجری قمری است.

برخی منابع نسبت او را «آدمی» نوشته‌اند (انصاری، ص ۳۵۷؛ جامی، ص ۱۴۱)، اما این نسبت درست به نظر نمی‌رسد. از آنجا که زمانی طولانی در بغداد به سر برد، به بغدادی منسوب شد. گروهی وی را عارفی ایرانی از آمل و گروهی نیز از چاچ (تاشکند کنونی) می‌دانند. از تاریخ ولادت ابن عطا آگاهی دقیقی در دست نیست؛ به گفته ماسینیون، حدود ۲۳۵ ق به دنیا آمد. ظاهراً، در جوانی به فراگیری حدیث پرداخت و بعدها به عرفان روی آورد و به مطالعه دقیق در معانی قرآن علاقه‌مند شد (دائرة المعارف بزرگ، ذیل مدخل).

درباره مرگ او داستان‌ها گفته‌اند؛ از آن جمله است: هنگامی که علی بن عیسیٰ، وزیر مقتدر خلیفه عباسی، حسین منصور حلاج را برای سخنان عجیبش به زندان افکند و بازجویی کرد نوشته‌های وی را به چند تن از عارفان بغدادی مانند ابومحمد جریری، ابوبکر شبلی و ابن عطا نشان داد و نظر آنها را درباره حلاج پرسید. این ماجراها چند سالی طول کشید تا اینکه در سال ۳۰۹ ق حکم به تکفیر قطعی حلاج دادند و او را از علوم و قرآن و سنت بی‌نصیب خواندند، اما ابن عطا تنها فرد از عارفان و شیوخ بغداد بود که به حمایت از حلاج برخاست و در نامه‌ای، خطاب به علی بن عیسیٰ، صریحاً نوشت که او نیز با حلاج هم‌اعتقاد است و هر که جز این اعتقادی داشته باشد کافر است. در همین اوضاع، ابن عطا کسی را به دیدار حلاج در زندان فرستاد تا از گفته‌های خود برگردد و خلاص شود. حلاج در پاسخ گفته بود هر که این سخن گفت، گو عذر خواهد. این جواب در ابن عطا اثر عمیقی گذاشت؛ چنان‌که گریست و اظهار داشت که یک چندم حسین منصور است. همین نوشته‌ها و سخنان موجب شد

BALHĪ (Šaqīq
ibn Ibrāhīm al-).
IBN 'AṬĀ' al-ĀDAMĪ.
(Abū 'ad ibn al-'Abbās).
NIFFARĪ (Muḥammad
ibn 'Abd al-'Ġabbar al-).

البخني (شقيق
ابن ابراهيم)
ابن عطاء الادامي
(احمد بن عباس)
التفسي
ابن عبد الجبار

- *نصوص صوفية غير منشورة*. [بجنتي على]؛ [آداب
المبادات] / [شقيق البخني]. [عسير ابن عطاء] /
ابن عطاء الادامي. [المواقف والمحاطبات] / التفسي؛
حققتها وقدم لها بولس نويما السوسني

[8° Impr. or. 9918 (A.VII)
.../...

2

59222

✓
BALHĪ (Al-).
IBN 'AṬĀ' al-ĀDAMĪ.
NIFFARĪ (Al-).

البخني
ابن عطاء الادامي
التفسي
- *نصوص صوفية غير منشورة*
[8° Impr. or. 9918 (A.VII)

... Trois oeuvres inédites de mystiques musulmans /
Šaqīq al-Balḥi, Ibn 'Aṭā', Niffarī ; éd. critique
par Paul Nwyia, ... - Beyrouth: Dar el-Machreq,
1973 (Beyrouth: Impr. Catholique). - 342-12p.; 25cm.
- Recherches. Nouvelle série: A. Langue arabe et

.../...

3

59223

✓
BALHĪ (Al-).
IBN 'AṬĀ' al-ĀDAMĪ.
NIFFARĪ (Al-).

البخني
ابن عطاء الادامي
التفسي
- *نصوص صوفية غير منشورة*
[8° Impr. or. 9918 (A.VII)

... pensée islamique; 7 = Buḥūt wa dirāsāt. Silsila
ḡadīda: A. al-luḡa al-'arabiya wa al-fikr al-islā-
mī; 7). [8° Impr. or. 9918 (A.VII)
"Nuṣūṣ sūfiya ḡayr manāūra". - Contient: "Ādāb

.../...

4

59224

BALHĪ (Al-).
IBN 'AṬĀ' al-ĀDAMĪ.
NIFFARĪ (Al-).

البخني
ابن عطاء الادامي
التفسي
- *نصوص صوفية غير منشورة*
[8° Impr. or. 9918 (A.VII)

... al-'ibādāt / Šaqīq al-Balḥi. Tafsīr / Ibn 'Aṭā'
al-Ādamī. Mawaqīf (al-) wa al-muḥāṭabat / Muḥammad
ibn 'Abd al-'Ġabbar al-Niffarī". - Ed. Paul Nwyia.
Introd. en français. - A. 27223. - Rel.

Mystique musulmane.
9e-10e s. Textes.

644. AMIR MOEZI M. A., «Ibn 'Atā' al-Adami: esquisse d'une biographie historique», *Studia Islamica*, LXIII (1986), pp. 63-127.

L'auteur propose ici une recherche systématique et très fouillée visant à reconstituer la biographie et le profil spirituel d'un important soufi du 3^e-4^e s. A.H. Par une étude comparée des sources, toutes fragmentaires, il aboutit à donner un portrait synthétique et cohérent du personnage étrange et complexe que fut Ibn 'Atā', à la fois juriste hanbalite d'une rigoureuse orthodoxie, et soufi fervent, auteur d'un important commentaire mystique du Coran, et dont l'amitié indéfectible envers Hallāj entraîna la perte, en 923: une pièce importante à verser au dossier du débat sur la nature et le rôle du soufisme aux premiers siècles abbassides, que Massignon avait ouvert pour le monde scientifique.

P. L.

IBN ATA ?

TSU
ibn Ata
نصوص صوفية غير منشورة
297.7.
SAK.N

Ibn Ata Ademi,
Custucu, \$26

IBN ATA, Abu'l-Abbās

«Trois œuvres inédites de mystiques musulmans: Saqīq al-Balḥī, Ibn 'Atā, Niffarī.»

BSOAS. 37. c. s. 523-524; 1874 (HEAT-FORD)

Not: Mabule NIFFERI (s. 354/965)
pas en dedir.

MADDE YAYINLANDIRAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- Sakiki Balhi
- Niffari
- Ibn Ata

Jachmowicz, Edith M. zu: *Nwyia, Paul* [Hrsg.]: *Trois oeuvres inédites de mystiques musulmans. Saqīq al-Balḥī, Ibn 'Atā, Niffarī. Edition critique avec introductions.* Beirut 1973. In: WZKM 67.1975. S. 320-321.

Dazu auch: B. Rehnert In: *Der Islam* 52.1975. S. 151-152; A. Schimmel In: *OLZ* 73.1978. Sp. 472-474; E. Wagner In: *ZDMG* 126.1976. S. 206.

1036 GRAMLICH, R. *Abu l-'Abbas b. 'Atā': Sufi und Koranusleger.* Stuttgart: Steiner, for Deutsche Morgenländische Gesellschaft, 1995 (Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes, 51 ii). 346pp.

08 KASIM 1999

773 GRAMLICH, R. *Abu l-'Abbas b. 'Atā': Sufi und Koranusleger.* Stuttgart: Steiner, for Deutsche Morgenländische Gesellschaft, 1995 (Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes, 51 ii). 346pp.

08 KASIM 1999
MADDE YAYINLANDIRAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

R4 Abu l-'Abbas b. 'Atā': Sufi und Koranusleger. By Gramlich, R. Stuttgart, 1995.
Kropáček, L. *Archiv Orientální*, 66 i (1998), pp.82-83 (E)
Madelung, W. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 60 ii (1997), pp.352-353 (E)
Pagani, S. *Rivista degli Studi Orientali*, 69 iii-iv / 1995 (1996), pp.517-518 (I)
Hämeen-Anttila, J. *Studia Orientalia*, 82 (1997), p.257 (E)

MADDE YAYINLANDIRAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

08 KASIM 1999

296. MOŠARRAF, Maryam. *Nešāne-šenāsi-ye tafsīr-e 'erfānī*. Tehrān, Našr-e Tālet, 1382/2003, 564 p.

[Sémiotique du commentaire coranique mystique]

Tefsir
- Cafelvi Sadik
- Ibn Ata
- Sahl et Tustar

166

8. SOUFISME

Il s'agit essentiellement d'une approche littéraire des signifiants et de la structure des commentaires mystiques du Coran selon les méthodes herméneutique, structuraliste et sémiologique, mais l'A. s'intéresse aussi beaucoup à la formation de la langue mystique.

La première partie, en douze chapitres, présente le *Ḥaqāyeq al-Tafsīr* de Sollamī, principal objet d'étude, ainsi que quelques autres commentaires coraniques (Imam Ja'far al-Šādeq, Sahl-e Tustarī, Ibn 'Aṭā), puis s'interroge sur le rôle de l'expérience mystique et des dévoilements, ainsi que sur leur expression, toujours approximative, par le langage. Après une approche sémantique et linguistique des concepts employés, l'A. étudie la construction des coupes opposées de termes, les constructions en échelle de trois termes, la science des lettres, les différentes théories de l'amour, l'influence de la terminologie malāmātiyye sur le vocabulaire soufi, l'anthropologie spirituelle et philosophique de Tustarī à travers sa terminologie, l'expression de la prophétie et de la sainteté, les images et métaphores liées à la nature. Elle termine avec des remarques sur le style et la grammaire de ces premiers commentaires soufis. Dans cette partie qui ne manque pas d'intérêt, elle semble parfois plaquer un peu artificiellement de nouvelles méthodes critiques ou des concepts occidentaux sur un matériau pour lequel ils ne sont pas faits.

La seconde partie se veut une étude de la langue soufie d'après les commentaires de Tustarī et Sollamī. Elle se présente sous la forme d'un lexique illustré par des citations, mais ne comporte malheureusement aucune réflexion sur la matière ainsi mise en lumière.

E.P.

MADDE YAYIMLANDIKTAN
 SONRA GELEN DOKÜMAN

06 HAZ 2010

b) *Le thème de la querelle:*

Tr. 15, pp. 24-25 (cf. la trad. dans la première partie de cet article, pp. 16-17).

Tr. 30, pp. 36-37 : de Ubayy (b. Ka'b) : Je me trouvais à la mosquée, lorsqu'un homme y entra pour accomplir la prière. Il récita (le Coran) d'une façon que je réprouvai. Puis vint un autre homme qui fit sa récitation d'une façon différente du premier. Nous nous rendîmes ensemble chez l'ED. Je lui dis : « O ED! cet homme a récité le Coran d'une façon que je réproouve, puis cet autre est arrivé et a fait sa récitation d'une manière différente du premier. » L'ED leur ordonna de faire leur récitation et il déclara qu'ils avaient tous deux raison. Je ressentis alors un mouvement de rejet pire que lorsque j'étais dans la *Jāhiliyya* (28). Lorsque l'ED se rendit compte (du doute) qui m'envahissait, il me frappa la poitrine ; j'étais tout en sueur, comme si je regardais Dieu, terrassé par l'épouvante. L'ED me dit :

— Ubayy, on m'envoya dire de faire réciter le Coran selon un *ḥarf*. Je répondis qu'il fallait rendre la chose aisée pour ma communauté. Il (i.e. l'envoyé) me répondit encore (*fa-radda 'alayya fi th-thāniya*).

— Fais réciter le Coran selon un *ḥarf*!

— Rends la chose aisée pour ma communauté! dis-je.

— Fais-le réciter selon sept *ahruf*! telle fut sa réponse, la troisième fois. (Puis l'envoyé poursuivit) : pour chaque réponse que je t'ai faite, tu peux m'exprimer une demande (*mas'ala*).

— Dieu, dis-je, pardonne à ma communauté! Dieu pardonne à ma communauté! Mais je retardai la troisième demande jusqu'au jour où toutes les créatures, même Ibrāhīm, le désireraient.

Claude GILLIOT
(Paris)

(28) *Fa-waqa'a ft nafst mina t-takdhibt wa lā idh kuntu ft l-jāhiliyya*. Nous avons traduit *takdhibt* par « mouvement de rejet », il s'agit évidemment du fait de qualifier de mensonge les « révélations prophétiques » ou de ne pas croire à la qualité prophétique de Muḥammad. Pour l'expression : *wa lā idh kuntu: wa lā* dans des « comparaisons » a le sens de « non pas comme », cf. WRIGHT, II, 333 B. La Tr. 32, p. 38, non traduite ici, nous paraît justifier notre traduction : *fa-dakhala nafst mina sh-shakki wa t-takdhibi ashaddu mimma kuntu ft l-jāhiliyya*. Cf. MUSLIM, *op. cit.* (n. 14 de la première partie), *Ṣalāt al-musāfirin*, 6, n° 273, 1, pp. 561-562 avec la n. 1, qui est empruntée textuellement à an-NAWAWI, VI, 102, sans que l'éd. 'Abdalbāqī l'indique ; IBN 'ASĀKIR, *Tahdhib ta'rikh Dimashq*, II, éd. Badrān, p. 328 à la version de Muslim : *fa-saqala ft nafsi...* ; IBN HANBAL, *Musnad*, V, pp. 128-129.

11 AGUSTOS 1993

IBN 'AṬĀ AL-ADAMĪ
ESQUISSE
D'UNE BIOGRAPHIE HISTORIQUE

M. AMIR MOEZZI

I. L'état des sources

- a. Les sources modernes
- b. Les sources anciennes

II. Esquisse d'une courbe de la vie d'Ibn 'Aṭā

- a. Quelques éléments-guides
- b. Ibn 'Aṭā, traditionniste ḥanbalite
- c. La période de « ravissement »
- d. Ibn Aṭā le Soufi
 1. Le *Tafsīr* d'Ibn 'Aṭā ; son maître en mystique
 2. Ses *majālis*
 3. Ses disciples et transmetteurs, ses amis mystiques
 4. Ibn 'Aṭā en rapport avec al-Ḥallāj

Abū al-'Abbās Aḥmad b. Muḥammad b. Sahl b. 'Aṭā al-Adamī al-Baghdādī, plus connu sous le nom d'Ibn 'Aṭā (1), est présenté comme un traditionniste (*muḥaddith*) (2) ḥanbalite

(1) Il ne faut surtout pas le confondre avec Wāṣil ibn 'Aṭā (m. vers 133/750, figure marquante du mu'tazilisme primitif).

(2) *Ṭabaqāt al-Ṣūfiyya* d'al-Sulamī (412/1021), éd. Shurayba, Le Caire, 1953, p. 265 ; *Ḥilyat al-Awliyā'* d'Abū Nu'aym al-Iṣfahānī (430/1038), 2^e éd., Beyrouth 1387/1967, X/304 ; *Ta'rikh Baghdād* d'al-Khaṭīb al-Baghdādī (463/1071), éd. de Beyrouth, V/26 ; *al-Muntaẓam* (éd. Ḥaydarābād, 1357, VI/160) et *Ṣifāt al-Ṣafwa* (éd. Ḥaydarābād, 1355, II/251) d'Ibn al-Jawzī (597/1200) ; *al-Bidāya wa al-Nihāya* d'Ibn Kathīr (774/1372), Le Caire, 1932-39, XI/144.

the **Mamlūks**. His *'Ajā'ib al-maqdūr*, or *Marvels of Destiny* is a venomous biography of the Turco-Mongol conqueror **Timūr**, written in an extraordinary flowery and convoluted Arabic rhymed prose. *Fakihāt al-khulafā'* or *Flowers of the Caliphs* a revised and greatly expanded version of Warawīnī's Persian *Marzubān-nāma*, is a work in the **Mirrors for Princes** genre, containing both animal fables and reminiscences of the exploits of Genghis Khan and **Timūr**. Again the inflated, metaphor-laden style is hard going. His *Ta'lif al-Ṭāhīr*, a fragmentary panegyric life of the Mamlūk sultan **Jaqmaq**, remains mostly unpublished.

Text editions

- 'Ajā'ib al-maqdūr fī nawā'ib Timūr*, A.F. Himsi (ed.), Beirut (1986).
Fructus Imperatorum et Iocatio Ingeniosorum, Fakihāt al-Khulafā' wa Mafākihāt al-Zurafā', G. Freytag (ed.), Bonn (1832).
Tamerlane or Timur, the Great Emir, J.H. Sanders (trans.), London (1936).

R. IRWIN

Ibn Arfa' Ra'suhu
(fifth/eleventh century)

Andalusian court poet whose *muwashshahāt* are reputed to have attained great popularity in al-Andalus. His name is sometimes given as **Ibn Rāfi' Ra'suhu**. Little is known of his life save that he composed verse at the court of **Yaḥyā al-Ma'mūn** in Toledo. He is praised by **Ibn Khaldūn** for the beginning and ending lines of his famous *muwashshah*: *al-'ūdu qad tarannam* (in *'Uddat al-Jalīs*).

Text editions

- Ibn Bishrī**, *'Uddat al-jalīs*, A. Jones (ed.) Cambridge (1992), 362–4, 401–3.
Ibn al-Khaṭīb, *Jaysh al-tawshīh*, Tunis (1967), Chs x, 1–10).
 Monroe, James T., *Hispano-Arabic Poetry: A Student Anthology*, Berkeley (1974), 224–7.

Further reading

- Stern, S., 'Four famous muwaššahs from Ibn Bushrā's anthology', *al-Andalus* 23 (1958), 339–69.

L. ALVAREZ

Ibn 'Asākir (499–571/1105–76)

Thiqat al-Din Abū al-Qasim 'Ali ibn al-Ḥasan ibn 'Asākir was a member of a prominent

family of **Shāfi'ī** jurists and scholars of **Damascus**, famed as the historian of his native city. After a period of education and travel, he settled down in Damascus under the patronage of **Nūr al-Dīn Zangī** as a promoter of the **Sunnī** cause there. His *Ta'rikh madīnat Dimashq* (still in course of publication in full) is essentially a biographical dictionary, on a grand scale reminiscent of that for **Baghdad** by **al-Khaṭīb al-Baghdādī** of all the personalities dwelling in or visiting Damascus and certain other Syrian cities; it begins with a valuable survey of the historical topography of Damascus, and then deals with the persons in question, treating them alphaabetically.

Further reading

- Elisséeff, N., *La Description de Damas d'Ibn 'Asākir*, Damascus (1959).

C.E. BOSWORTH

See also: biography, medieval

Ibn 'Atā', Abū al-'Abbās Aḥmad
(d. 309/922)

A **Šūfi** of the **Baghdad** school and a friend of **al-Ḥallāj**; he was killed during the course of **al-Ḥallāj's** trial. He appears in numerous anecdotes and his dicta are extensively quoted in all the handbooks and biographical dictionaries that deal with **Sufism**. **Ibn 'Atā's** lengthy **Koran** commentary was collected by **al-Sulamī** and incorporated into his own work, the *Ḥaqā'iq al-tafsīr*.

Text edition

- Nwyia, Paul, *Trois œuvres inédites de mystiques musulmans*, Beirut (1972), 23–182 (edition of the **Koran** commentary).

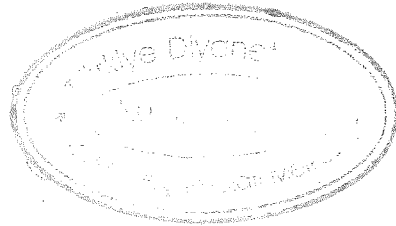
Further reading

- Gramlich, Richard, *Abu l-'Abbās b. 'Atā'. Sufi und Koranausleger*, Stuttgart (1995) (= *AKM* 51(2), 1–346) (collects all material concerning **Ibn 'Atā'**).

B. RADTKE

Ibn 'Atā' Allāh (d. 709/1309)

Aḥmad ibn Muḥammad Ibn 'Atā' Allāh was the third master of the **Shādhiliyya**, a **Šūfi** order founded by the Moroccan **Abū al-Ḥasan al-Shādhilī** (d. 656/1258). Originally from **Alexandra**, **Ibn 'Atā' Allāh** spent most of his



تصویری مخدوش از شخصیت عارف و صوفی نامدار، ابن عطا

نوشته حسن انصاری قمی

ابن عطا، ابوالعباس احمد بن محمد بن سهل آذمی بغدادی (۳۰۹ق)، عارف و صوفی نامداری است که کمتر پژوهشگر تاریخ تصوف است که با نام او آشنا نباشد. بیشترین تلاش برای معرفی شخصیت او به اهتمام محققانی برجسته همانند ماسینیون، پُل نوپا و امیر معزی صورت گرفته است. در مقاله‌ای که در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (که بی‌تردید کوشش و تلاش ژرف و گسترده‌ای درباره معرفی و گزارش تمدن و فرهنگ اسلامی است)، مقاله‌ای به ابن عطا اختصاص داده شده است. از آنجا که شاید به زبان فارسی این مقاله از مفصل‌ترین تحقیقات و بررسیها درباره شخصیت این صوفی بغدادی باشد، لازم دیدم که برخی از صورتبندیهای واژگونی‌های را که در این مقاله از شخصیت ابن عطا ارائه شده است روشن کنم. مؤلف در ابتدا و به شکل موجز او را عارف، شاعر، مفسر و محدث حنبلی خوانده است که، بی‌شک و چنانکه خواهد آمد، تعبیر محدث حنبلی کاملاً اشتباه و برداشتی ناصحیح است. مؤلف می‌نویسد: «ظاهراً دوران جوانی ابن عطا به فراگیری حدیث سپری

کناش فی‌الطَّب، تألیف یعقوب الکشکری، تحقیق علی شیری، چاپ عزالدین، بیروت ۱۴۱۴.
لسان‌العرب، تألیف ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم بن منظور، دار صادر، بیروت ۱۴۰۱ قری.

لغت‌نامه دهخدا، تألیف علامه دهخدا.

مشوی معنوی، مطابق نسخه نیکلسون به کوشش مهدی آذریزدی، انتشارات پژوهش، چاپ پنجم ۱۳۷۸.

مجمع‌الفرس، تألیف محمدقاسم بن حاجی محمدکاشانی متخلص به سروری به تصحیح دبیرسیاقی ۱۳۳۸.

المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تألیف محمدفؤاد عبدالباقی، دارالکتب المصریة، قاهره ۱۳۶۴.

معجم مقایس اللغة، تألیف ابوالحسین احمد بن فارس، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، افست طهران ۱۴۰۴ قری.

المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، تألیف ابومنصور جوالبقی، به تحقیق احمد محمد شاکر، افست طهران ۱۹۶۶.

المعرب، تألیف ابومنصور جوالبقی، به تصحیح الدكتور ف. عبدالرحیم، دارالقلم، دمشق ۱۴۱۰ قری.

المنجد فی اللغة والادب والعلوم، تألیف اب لویس المعلوف الیسوعی، الطبعة التاسعة عشرة، بیروت ۱۹۶۶.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید، تألیف آرتور جفری، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، انتشارات توس ۱۳۷۲.

Analytical Concordance to the Bible, by Robert Young, Virginia.

Greek - English Lexicon, by Liddle and Scott

Harpers Bible Dictionary, General Editor: Paul J. Achtemeier San Francisco, 1985.

The Holy Bible, King James version.

Shorter Oxford Dictionary, 1977.

Webster's Third New International Dictionary 1986.

MADDE VE...
SON...
NİSAN 2003

Ibn Ata

ابن عطاء الأدمى

(٠٠٠ - ٣٠٩ هـ = ٠٠٠ - ٩٢١ م)

ختمه أخرى. يستتبط فيها ما يمتنُّ الله به عليه، مما أودع في القرآن من الأخلاق والأذواق والأسرار والأنوار، وقد ظلَّ في هذه الختمة بضْع عشرة سنة، ثم مات قبل أن يختمها، سنة تسع وثلاثمائة هجرية.

وقيل: إحدى عشرة وثلاثمائة.

وكان من أسباب هذه الصلة الحميمة بالقرآن، أنها تُحقق له سلامة الصدر، ويرد الرضا، ونور اليقين، وتعرفه بأدب العبودية، وتدفعه إلى تعظيم حق الربوبية.

وأثمرت هذه الصلة ثمرتها فيما كان له من ذوق خاص، فى فهم القرآن الكريم، فكان له لسان خاص فى فهم القرآن يختص به.

وقد وصفه أبو نعيم بأنه كان «كثير الحديث»، ولكنه لم يرو له: إلا حديثاً واحداً مسنداً.

ويبدو أن ابن عطاء كانت له صلة وثيقة بعلوم أخرى من علوم عصره، ذلك العصر، الذى كان يتَّسم بالموسوعية، ويأنف أهل العلم فيه من الوقوع أسرى للتخصص الدقيق، الذى اضطر إليه العلماء. فيما بعد. لأسباب

هو أبو العباس، أحمد بن محمد بن سهل ابن عطاء الأدمى، نسبة إلى الأدم، جمع أديم، وهو الجلد.

لم تحدد المصادر التى اطلعنا عليها تاريخ مولده.

أحد كبار مشايخ الصوفية وعلمائهم، الجامعين بين الظاهر والباطن، والعلم والعمل، كما وصفه بذلك أقرانه ومعاصروه من الصوفية، ثم الذين ترجموا له من المؤرخين، وهو أحد أعلام القرن الرابع الهجرى.

كان ابن عطاء الأدمى من القانتين، الموصوفين بالاجتهاد فى العبادة، وكثرة الدرس للقرآن، وطول الصحبة له. وقد حُكيت عنه، فى هذا الشأن، حكايات، لا تخلو من مبالغة، ولكنها تكشف عن جانب من جوانب شخصيته ومجاهداته الروحية، فقد قيل: إنه كان ينام فى اليوم والليلة ساعتين، وأنه كان له فى كل يوم ختمة للقرآن الكريم، وكان له فى شهر رمضان ثلاث ختمات فى كل يوم وليلة.

وكان يجمع فى صحبته للقرآن بين التلاوة والتدبر؛ فلقد كان له: إلى جانب ما سبق -

M. Amir Moezzi, "Ibn Atā el-Adami, Esquisse d'une Biographie Historique", SI 83 (1986), ss. 63-127

Tam adı: Ebü'l-Abbas Ahmed b. Muhammed b. Sehl b. Ata el-Ademi el-Bağdadi.

Doğum tarihi bilinmiyor. Hallac'ın ölümünden yirmi gün kadar önce,- Abbası Halifesi el-Muktedir zamanında (296/908-320/932) vezir Hamid b. el-Abbas (öl. 311/924) tarafından dövülerek yaralanmış ve daha sonra bu yaralardan iyileşemeyerek,- vefat etmiştir (309/922). (S. 64)

Ölüm nedeni, genel olarak Hallac'ı savunma olarak bildirilir. Muhtelif eserlerde bunun teferruatı nakledilmektedir.

Ibn Ata hanbeli mezhebine mensup bir muhaddis olarak ta meşhur olduğu için, böyle bir insanın nasıl olup ta, Hanbeliler tarafından kabul edilmesi mümkün olmayan tasavvufi öğretileri savunan Hallac ile aynı fikirleri ölümü göze alarak savunup, nihayet bu nedenle öldürülmüş olması, tarihte benzeri çok az bulunan bir olaydır. Bundan dolayı kaynaklarda kabaca verilen kısa malumatla yetinmeyip, onunla ilgili bütün kaynakları değerlendirerek, hayatında karanlık olarak kalan bazı hususları aydınlatmak mümkündür (S. 64). Bu noktada en önemli sorular, Ibn Ata'nın nasıl olup ta, hanbeli mezhebine mensup bir muhaddis iken sufi olduğu ile alakalı olarak ortaya çıkmakta ve hayatının bu noktadan muhtelif dönemlere ayrılıp ayrılamayacağı; ayrılacaksa bunu mümkün kılacak kaynakların neler olduğu; onun hayatının hangi döneminde hangi düşünceleri savunduğunun tesbiti önem arz etmektedir. Bu soruları cevaplandırabilmek için İbn Ata ile ilgili doğrudan veya dolaylı bütün kaynakların incelenerek, onun tarihi hayatının ana hatlarını ortaya çıkarmak gerekmektedir.

Batı'da Ibn Ata hakkında ciddi olarak çalışan iki araştırmacı vardır: Onun tefsirini bir girişle neşreden P. Nwyia ve Hallac üzerinde yaptığı çalışmalar dolayısıyla Ibn Ata ile de ilgilenen L. Massignon. Nwyia tefsir neşrinde Ibn Ata'nın tefsiri'nin nasıl rivayet edildiği, onun tefsiri ile daha önceki özellikle Caferü's-Sadık'ın tefsiri ile alakası üzerinde durmaktadır. Ynı müellifin ikinci eseri, *Exegese coranique et langaga Mystique* (Beyrut 1970), genel olarak işari tefsir anlayışını ele alırken Ibn Ata'nın muhtelif görüşlerini ve kelamcılarla yaptığı tartışmalara dikkat çekmekte, biyoğrafik açıdan hemen hemen hiç bir tahlil içermemektedir. (S. 65-66)

Massignon Ibn Ata'nın hayatını hemen tamamen keyfi bir şekilde üç periyoda ayırmaktadır: Birinci kısım, Ibn Ata'nın yetişme dönemidir ki, bu dönemde (235/849-275/888) Ibn Ata hadis ve tasavvuf alanlarında kendisini yetiştirmiştir. İkinci kısmı Ibn Ata'nın 'ibtıla' olduğu dönem olarak 294/906 ile 311/923 yılları arasında bir yere yerleştiren Massignon (burada rakamlarda bir problem var gibi gözüküyor!), zühd hayatına yönelme, Tefsir telifi ve Hallac ile

نسخه‌هایی از این شروح در کتابخانه‌های بنی‌جامع استانبول، لیدن، آمبروزیانا موجود است (نک: قباوه، همانجا). جلد اول این کتاب در ۱۹۸۰ م به کوشش ابوجناح در بغداد به چاپ رسیده است.

۴. **ضرائر الشعر**. ابن عصفور در این کتاب به ذکر انواع ضرورت‌های شعری پرداخته و عموماً آنها را به ۴ نوع: زیادت، نقصان، تأخیر و تبدیل تقسیم کرده است (ص ۱۷). این کتاب که به درخواست المستنصر بالله تألیف شده (همان، ۱۱)، یکی از مأخذ عمده خزانه الادب عبدالقادر بغدادی است که در بسیاری از موارد مستقیماً از آن نقل قول کرده است (نک: بغدادی، ۹). این کتاب به کوشش ابراهیم محمد در بیروت (۱۹۸۰ م) به چاپ رسیده و در ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م در همانجا تجدید چاپ شده است.

آثار خطی: ۱. **ایضاح المشکل**، که شرح المقرَّب است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های قزوین فاس (نک: فاسی، ۱۴/۲)، آمبروزیانا (آمبروزیانا، I/69)، چستریتی (آربری، VI/31) موجود است. بروکلیمان (GAL, I/352) این کتاب را **شرح المقرَّب فی ترتیب المقرَّب** مطرری دانسته است؛ ۲. **السلک والعنوان و مرام اللؤلؤ والعقیان**. نسخه‌ای از آن در رباط (GAL, S, I/546) موجود است؛ ۳. **المقتع**، یک نسخه از آن در کتابخانه قزوین فاس موجود است (همانجا)؛ ۴. **منظومة فی النحو**، نسخه‌ای از این اثر همراه شرحی که صدقه بن ناصر ابن راشد حنبلی بر آن نوشته، در کتابخانه آستان قدس رضوی (آستان، ۳/۳۰) موجود است.

آثار یافت نشده: دیگر آثار ابن عصفور که اثری از آنها برجای نمانده عبارتند از: **الازهار**، **انارة الدیاجی**، کتاب البدیع که شرح مقدمه جزویله است، **السالف والعدار**، **سرقات الشعراء**، **شرح الاشعار الستة**، **شرح الحماسة**، **شرح دیوان المتنبی**، **مختصر العرّة**، **مختصر المحتسب**، **المفتاح**، **الهلل** (صفدی، ۲۶۶/۲۲-۲۶۷)، **شرح الايضاح** (فیروز-آبادی، ۱۷۰)، **شرح کتاب سیبویه** (EI²).

مأخذ: آستان قدس، فهرست: ابن ابی ضیاف، احمد، **تحاف اهل الزمان**، تونس، ۱۲۹۶ ق / ۱۹۷۶ م؛ ابن خلیل، محمد بن عبدالله، **اختصارالفتح المعلی**، تألیف ابن سعید، به کوشش ابراهیم ایباری، قاهره، ۱۹۵۹ م؛ ابن زبیر، احمد، **صلة الصلّة**، به کوشش لوی پرووانسال، رباط، ۱۹۳۷ م؛ ابن شاکر کتبی، محمد، **فوات الوقیات**، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۴ م؛ ابن عصفور، علی بن مؤمن، **ضرائر الشعر**، به کوشش ابراهیم محمد، بیروت، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م؛ همو، **المقرَّب**، به کوشش احمد عبدالستار جواری و عبدالله جیوری، بغداد، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م؛ ابن هشام، جمال الدین بن یوسف، **مغنی اللیبی**، به کوشش محمدحیی الدین عبدالحمید، بیروت، **داراحیاء التراث العربی**؛ ابوحنان، محمد بن یوسف، **تذکرة النحاة**، به کوشش عقیف عبدالرحمن، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۲ م؛ بغدادی، عبدالقادر بن عمر، **خزانه الادب**، بیروت، **دارصادر**؛ جواری، احمد عبدالستار، **مقدمه و تحشیه بر المقرَّب** (نک: ابن عصفور در همین مأخذ)؛ حاجی خلیفه، کشف ذہبی، محمد بن احمد، **العبر فی خبر من غیر**، به کوشش محمدسعید بن سیبوی زغلول، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م؛ زرکنی، محمد بن ابراهیم، **تاریخ الدولتین**، به کوشش محمد ماضور، تونس، ۱۹۶۶ م؛ سیوطی، بغیة الوعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ همو، **مع الهوامع**، به کوشش محمد بدرالدین نعلانی، قم، ۱۴۰۵ ق؛ صفدی، خلیل بن ابیک، **الوائی بالوقیات**، به کوشش رمزی بعلبکی، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۳ م؛ غبرینی، احمد، **عنوان الدرایة**، به کوشش عادل نویهض، بیروت، ۱۹۶۹ م؛

فاسی، محمدعابد، **فهرس مخطوطات خزانه الفرویین**، مراکش، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **البغیة**، به کوشش محمد مصری، دمشق، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م؛ قباوه، فخرالدین، ابن عصفور و التصریف، بیروت، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ مقری، احمد بن محمد، **فتح الطبیب**، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م؛ نیز: *Ambrosiana; Arberry; EP; GAL; GAL, S.*
عنایت الله فاتحی نژاد

ابن عطا، ابوالعباس احمد بن محمد بن سهل آدمی بغدادی (م ۳۰۹ ق / ۹۲۲ م)، عارف، شاعر، مفسر و محدث حنبلی. برخی از مأخذ نسبت او را آدمی نوشته‌اند (انصاری، ۳۵۷؛ ابن جوزی، **المنتظم**، ۱۶۰/۶، ص ۴۴۴/۲؛ جامی، ۱۴۱؛ شعرانی، ۹۵/۱)، اما از آنجا که در میان نیاکان وی کسی به نام آدم شناخته نیست، ظاهراً باید نسبت او آدمی باشد و آدم، نام محلی بوده در یک منزلی واسط که در مسیر کاروانهای حج قرار داشته است (یاقوت، **المشترک**، ۱۸/۱، بلدان، ۱۶۹/۱). از تاریخ ولادت ابن عطا اطلاع دقیقی در دست نیست، اما به گفته ماسینیون («مصائب»، I/129) در حدود ۲۳۵ ق / ۸۴۹ م به دنیا آمد، اما این تاریخ در هیچ مأخذی نیامده است. از دوران کودکی او نیز اطلاعی در دست نیست. ظاهراً دوران جوانی ابن عطا به فراگیری حدیث سپری شده و از کسانی چون ابویعقوب یوسف بن موسی و نیز ابوالعباس فضل بن زیاد که از یاران احمد بن حنبل بود، نقل حدیث می‌کرده است (خطیب، ۲۶/۵، ۳۶۳/۱۲؛ ابن ابی یعلی، ۲۵۱/۱). گویند وی هر روز ختم قرآن می‌کرده است (ابو نعیم، ۳۰۲/۱۰؛ خطیب، ۲۷/۵). هجویری (ص ۵۱۳) و عطار (صص ۴۸۸-۴۸۹) از دو ختم قرآن ابن عطا در شبانه روز سخن به میان آورده‌اند، اما بعدها که ابن عطا به عرفان روی آورد، به مطالعه دقیق در معانی آیات قرآنی و تحقیق در مضامین آنها پرداخت.

سوانح زندگی ابن عطا به درستی شناخته نیست، همین قدر می‌دانیم که او در اواخر عمر دچار تحول روحی شد و در پی آن به تصوف روی آورد. ماسینیون (همانجا) زندگی ابن عطا را به سه دوره تقسیم کرده است: نخست دوره تحصیل، نقل حدیث و آشنایی با بزرگان صوفیه که تا ۴۰ سالگی او را در بر می‌گیرد، دوم دوره مصائب و «بلا»ها که از ۷ تا ۱۸ سال ادامه داشته است و سرانجام سالهای آخر عمر او که به تصوف و تأمل در قرآن و دوستی با حلاج سپری شده است. امیر معزی (صص 82-83) به دو دوره مشخص در زندگی ابن عطا قائل است: او دوره نخست را به تقریب تا ۲۹۳ ق می‌داند و بر اساس پاره‌ای شواهد و قراین تاریخی نتیجه می‌گیرد که وی به سبب بلاهایی که در این سال بر او روی آورد، دچار تحول روحی شد و قریب ۷ سال در این احوال بود. این دگرگونی روحی، یعنی دوره گرایش به تصوف و اشتغال به تأملات باطنی و عرفانی بوده که تا مرگ وی در ۳۰۹ ق ادامه داشته است. اما درباره این تحول روحی نباید



Diyanet Vakfı
A. A. A.

نصوص صوفية غير منشورة

لشقيق البناخي - ابن عطاء الأدي - النقري

15 MAYIS 1991

حَقَّقَهَا وَقَدَّمَ لَهَا

بولس نوبيا اليسوعي

عضو المركز الوطني للأبحاث العلمية في باريس

İbn Aṭā (23-37)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi
Kayıt No: 5852
Tasnif No: 2973 N.S.S.

الطبعة الثانية



دارالمشرق ش م م

ص.ب: ٩٤٦ ، بيروت - لبنان

«وانبتها نباتاً حسناً» (٣: ٣٧)

قال ابن عطاء: «أحسن النبات ما كانت
ثمرته مثل عيسى بن مريم روح الله»

II

LE TAFSIR D'IBN 'AṬĀ (m. 309/921)

extrait des

HAQA'IQ AL-TAFSIR DE SULAMI